

چو مرغ شب، خواندی و رفتی

ترانه‌های محمد ابراهیم جعفری

مجموعه شعر و موسیقی

www.Ketab.ir

چومغ شب خواندی و رفتنی . ترانه های محمدابراهیم جعفری
چاپ و صحافی پردیس دانش . چاپ نخست ۱۳۹۵ . شمارگان ۵۰۰ . قیمت ۱۰۰۰۰ ریال
شابک: ۷۷۵۳۵۱۳۸ -۸۶-۸۷۶۵-۹۶۴-۹۷۸

www.meshkipublication.com
info@meshkipublication.com

همهی حقوق برای ناشر محفوظ است
نکثیر یا تولید همه و یا بخشی از آن به هر صورت (انتشار الکترونیکی، چاپ، فتوکپی، تصویر، صوت)
بدون اجازه کتابخانه ناشر ممنوع است.

www.Ketab.ir

برنامه: جعفری، محمدابراهیم، ۱۳۹۵
عنوان و نام پدیدآور: چومغ شب، خواندی و رفتنی؛ مجموعه شعر و موسیقی و ...

ترانه های محمدابراهیم جعفری

مشخصات نشر: تهران؛ مشکلی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص، ۲۱۵ × ۲۱۵ س.م.

شابک: ۷۷۵۳۵۱۳۸ -۸۶-۸۷۶۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعيت فهرست نویسي: فابا

موضوع: شعر فارسي - قرن ۱۴

موضوع: ترانه های ايراني - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۷۱۲۳/۹۱۳۹۴/ع PIR۸۲۳۹

رده بندی دیوبیس: ۸۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۲۶۹۲۶

گفت و چند خطی درباره چندوچون ترانه‌هایت بنویس، با جرأتی که از موقع می‌تراوید، مداد سیاه پُر رنگم را روی کاغذ سپید گذاشت... از خاطر، گذشت، راستی ترانه چیست؟ و آیا با تصنیف تفاوت دارد؟ به سریت به سراغ فرهنگ فارسی زنده‌یاد محمد معین جلد اول رفتم: صفحه ۶۱، چنی، نوشته بود: (ترانه: ۱. جوان خوش صورت، صاحب جمال / ۲. تصییفی سه گوشه داشته باشد هریک به طرزی / ۳. دو بیتی / ۴. سرود حمه‌یه، پس من از سالهای دور، از دوره دیبرستان بدون این که بدانم ترانه می‌زود ام و می‌خبرم بدهام.

پرستوها به طاق آسمونند
افق‌ها سایه روشن گرم خونند
نمی‌دونی که مرغان خیالت
به طاق سینه‌ام با درد چونند

و یا:

دوتا کفتر سفید و زعفرونی
نشستن دنشار سایه بونی
سفیده ناله سوسیل شفق کرد
سیه گُن افتومره مثلی جوونی

این دو کبوتر سال‌ها بعد در ترانه خواب بهار بی‌آن که بخواهم آمدند و در این ترانه جا خوش کردند.

ترانه‌های من ابتدا با تاثیر از ملودی‌ها و موسیقی محلی و فولکلوریک نواحی مختلف ایران شکل گرفت و حاصل سالها سفر، جستجو و تجربه خواننده آنهاست. برخی از آهنگ‌ها حامل داستان یا شعرو ترانه‌ای بودند که نسل به نسل خوانده و شنیده می‌شد و امروز هم چنان با تغییراتی به حیات خود ادامه می‌دهند، ولی بعضی از آین آهنگ‌ها حامل هیچ داستان یا ترانه‌ای نبوده‌اند و در مراسم خاصی از آنها استفاده می‌شده بدن کلام. به طور مثال ترانه‌ی «رقص شمشیر» یا «جوونای قلعه پیر» در روی آهنگی نشست که جوانان در زمان‌های دور تمرین شمشیر بازی می‌آردند و امروز با قطعه‌ای چوب گردآگرد هم حرکاتی موزون انجام می‌آمدند. ستار اس جوان‌ها و ترانه‌ای که برزندگی آنها سروده شد تحت تاثیر موسیقی صاف، که در ذهن من شکل می‌گرفت به کلام تبدیل شد کلامی فارسی، ویران حامل تصاویر محلی هستند ترانه‌ای محلی به نظر می‌رسند.

جوونای قلعه پیر
همه روزها به ناخجیر
شبا در پای آتیش
همه‌اش در رقص شمشیر....

یا ترانه گل کوهی که داستان و ترانه حامل آن تحت تاثیر ملوی آن قطعه خلق شده:

خدایا چشم‌ها شد سنگ در سنگ
چراغ لاله‌ها بی نور و بی رنگ
شکسته حنجرم فریاد... فریاد ...
که دشمن خیمه زد فرسنگ فرسنگ

تعدادی از ترانه‌ها هم تحت تاثیر آهنگ‌هایی سروده شده که قبل از کلام

داشته اند ولی من بر اساس احساس و حال و هوای خودم که متأثر از آن موسیقی بوده ترانه‌ای کاملاً متفاوت سروده‌ام مانند ترانه: گل بازان....

چو مرغ شب خواندی و رفتی
دلم را لرزاندی و رفتی
تو اشک سرد زمستان را
چوباران افشارندی و رفتی

و یا ترانه «خان جان» که تحت تأثیر داستان «خان جان» سروده شد که پهلوانی است بسیار قوی که حامی ضعیفان است، فضایی که در این ترانه خلثه شده - تأثیر از داستان «خان جان» است:

همه بپرهای سیاه صد شمندت
پناه آهوا سایه بلندت
شب و ابر سیاه کوه‌های نمی
ستاره بارد از سُم شمندیت

برخی از ترانه‌هایی بسیار آزاد شکل گرفته‌اند و هم‌هوای کاملاً متفاوتی دارند.

در این ترانه‌ها ابتدا ترانه خلق شده و پس از آن تبعیه با آن همراه و یا برای آن تنظیم شده، در این ترانه‌ها حضور خواننده سکام خلق ترانه در شکل‌گیری نهایی و تلفیق آن با موسیقی بسیار موثر بوده است:

ترانه گل‌های خیالی:
تودریایی و من ماهی تنها
چه دوره.. دوره این ساحل ز دریا ...

و یا ترانه دارم امیدی:

دارم امیدی.... در آسمانت دیده ام ابرسپیدی
ای ابر دلکش... ای اسب سرکش ... دستی به بالت می نشیند تک
سواری ...

به یاد دارم روزی به دیدار زنده یاد اخوان ثالث رفتم تا ترانه های تازه ام را
 بشنود .. شنیدن صدای مهریان و لحن شاعرانه اش به من امید و جانی
 تازه داد، آن روز با خود عهد کردم که جز «دست در دست تجسم خلاق»
 هر روزهای نسرايم ...

محمد ابراهیم جعفری / دی ماه ۱۳۹۴